

عنوان مقاله:

تطور مفهوم طبیعت از یونان باستان تا دوران معاصر، با تاکید بر وجه فلسفی و سیاسی جنبش رمانتیسیسم

محل انتشار:

فصلنامه جامعه شناسی فرهنگ و هنر، دوره 4، شماره 4 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

سارا هاشمی - دانشجوی دوره ی دکتری، رشته ی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

علیرضا نیکویی - دانشیار و عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

رضا چراغی - استادیار و عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

خلاصه مقاله:

مفهوم و معنای طبیعت، به رغم ظاهر ساده، روشن و قابل فهم آن، مفهومی غامض و پیچیده است و در طول تاریخ راه طولانی و پرپیچ و خمی را پیموده است. «طبیعت (فوسیس و بعدها، نیچر)» در فرهنگ یونانی در نسبت با لوگوس، اروس، کاسموس، خائوس، تراژدی، میمسیس، پوئسیس، تخته، پراکسیس، دیالکتیک، امپریا و پایدیا طرح و فهم می شود. حوزه های گوناگون مطالعات اسطوره، تاریخ، فرهنگ، جامعه، اقتصاد و سیاست، فلسفه، هنر و ادبیات، و بسیاری از علوم، به حسب تلقی هایی که از طبیعت دارند امور، پدیده ها و مواجهات خود را طرح می ریزند و صورتبندی می کنند. بازنمایی طبیعت در همه ساحت های دانش بشری، همواره مبتنی بر دوگانه های مفهومی و استعاره در باب طبیعت (استعلایی / درون ماندگار، داینامیک / استاتیک، مکانیکی / ارگانیکی، الهیاتی / ماتریالیستی، دترمینیستی / اکازیونالیستی و جاندار / بیجان) بوده است. با نظر به آراء فلاسفه و متفکران آلمانی، فرانسوی، انگلیسی و امریکایی دهه های آخر قرن هجدهم و قرن نوزدهم، به جرات می توان گفت که بارزترین و پیچیده ترین تلقی از طبیعت در جریان عظیم رمانتیسیسم شکل گرفته است. مفهوم طبیعت در مکتب رمانتیسیسم مفهومی چندلایه و عمیق است. فروکاستن جنبش، بل انقلاب بزرگ رمانتیسیسم به مکتب ادبی و هنری، از طرفی و برجسته کردن ویژگی هایی چون ارتجاع، ضدیت با خردگرایی، روشنگری و تمدن، ستایش مالیخولیا و رنج و بیماری از طرف دیگر، سبب سرکوب و جوه ارزشمندی از رمانتیسیسم شده است که اینک در فرایند «بازگشت امر سرکوب شده» - به تعبیر لاکلاو - خود را باز می نمایانند. رهیافت ما در این پژوهش فلسفی و سیاسی است. سعی ما بر آن بود تا این دو نوع مواجهه را در مفهوم بنیادی طبیعت به هم برسانیم؛ یعنی علاوه بر وجه زیبایی شناختی طبیعت، بنیادهای فلسفی و زمینه های سیاسی کانونی شدن طبیعت و نسبتش با دیگر مفاهیم رمانتیسم مانند فردیت، سوژکتیویته و جهت گیری ضد سرمایه داری را نشان دهیم. نتایج تحقیق نشان می دهد که رمانتیسم با هوشمندی تمام، پاره های مختلفی از آراء فلاسفه و متفکران را که سازگار با جوهر و جهت گیری خود دیده، جذب کرده است و با ایده ی «رمانتیک کردن جهان» و «فهم جهان به مثابه اثر هنری» به دنبال برون شو از معضلاتی بود که تمام عرصه های فلسفی، معرفتی، اخلاقی، زیبایی شناختی و سیاسی را در بر گرفته بود.

کلمات کلیدی:

طبیعت، رمانتیسیسم فلسفی، رمانتیسیسم سیاسی، زیبایی شناسی، سوژه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1631521>

